

سیمای امام علی (ع) در رمان «عذراء قریش»  
اثر جرجی زیدان

عسگر بابازاده اقدام  
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب  
واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده :

تاکنون نویسندگان مسلمان و غیرمسلمان کتب و مقالات زیادی در مورد اوصاف امام علی(ع) و ذکر وقایع دوران حیات او نگاشته اند. از مشهورترین نویسندگان غیرمسلمان می توان به جرج جرداق و جرجی زیدان دو نویسنده مشهور معاصر لبنانی اشاره نمود. آنچه در این پژوهش حائز اهمیت است اینکه جرجی زیدان در رمان «عذراء قریش» با دقت و اهتمام ویژه ای، مسائل و حوادث مختلف را به تصویر کشیده و از آن میان، چهره ای کاملاً منطبق با انتظارات شیعیان از امام علی (ع) را نشان داده است. لذا در این مقاله سعی بر آن شده است تا خصایص و اوصاف امام علی (ع) از ورای حوادث و مضامین رمان به مخاطبان عرضه شده و حتی الامکان آرای کسانی که در مورد محتوای این رمان انتقاداتی داشته اند مورد نقد قرار گیرد.

کلید واژه ها:

امام علی (ع)، عذراء قریش، جرجی زیدان

## مقدمه :

تاریخ در طول زندگی شناخته شده نسبتاً طولانی خود، چند سازنده انگشت شمار به جامعه بشری معرفی می کند که تاکنون مورد ارزیابی دقیق و کامل گوهرشناسان تاریخ قرار نگرفته اند. نه غواصان ژرف پیمای اقیانوس سرشت بشری توانسته اند به کنه ذات آنان پی ببرند و نه شاهینهای آسمان شکاف تیزپر، قدرت پرواز به کرانه های خورشید هدفهای والا و جهاتتابشان یافته اند. در میان این چندتن انگشت شمار، بی گمان علی بن ابیطالب (ع) همانند خورشیدی فروزان، در برابر ستارگان کم نور قرار دارد که با هیچ یک از آنان سنجش پذیر نمی باشد. نه تنها در روزگار خودش که به تازگی تیرگی های جاهلیت بوسیله روشناییهای معرفت اسلام برکنار شده بود قدر و ارزش او را نشناختند و با بیدادگری و از روی نادانی گوهر وجود او را با خرمهره ها برابر می نهادند و گاه خرمهره را ترجیح می دادند. بلکه در روزگاران پس از خود او تا امروز هم با وجود اینهمه تاریخدان و شیفته حق و روشن بین و ژرفنگر، همچنان ناشناخته و یا کم شناخته مانده است. (عبدالمقصود، ۱۳۸۵: ۱۴/۱)

اگر تمام کتابهایی را که درباره زندگانی و شخصیت و شناخت صفات حضرت علی (ع) نوشته شده است در یکجا گرد آورند، بی گمان کتابخانه ای عظیم و کم نظیر خواهد شد و اگر تمام مطالب آن کتابها را، بدون تکرار بخشهای مشابه، به روی هم ریزند، تردیدی نیست که در مجموع تحقیقی بزرگ و باارزش ولی بازهم ناقص و نارساست.

شخصیت بی مثالش نه تنها مورد احترام پیروان وی و پیروان کیش اوست، بلکه حق پرستان و حقیقت دوستان دیگر آیینها نیز در برابر عظمت و جلال و شکوه آسمان سایش سر تعظیم فرود می آورند. یکی از این حقیقت پرستان

جرجی زیدان است که در رمان مشهور و پرمحتوای خویش «عذراء قریش» گوشه ای از صفات و وجهات بی مثال امام علی (ع) را به خوانندگان عرضه می‌دارد.

### جرجی زیدان

جرجی زیدان، ادیب، مورخ و روزنامه نگار مسیحی در سال ۱۸۶۱ م در بیروت متولد شد. وی دروس ابتدایی را در بیروت فرار گرفت، ولی به علت فقر و مشکلات اقتصادی ناچار شد درس و مدرسه را ترک گفته، پدرش را در کسب و کار یاری دهد. اما وی به طور کلی ارتباط خویش را با درس و کتاب قطع نکرد؛ و هر کتابی را بدست می‌آورد مطالعه می‌نمود تا اینکه در بیست سالگی تصمیم گرفت در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهد. او مدتی در این رشته تحصیل نمود اما به دلیل شرایط نامناسب اجتماعی و سیاسی مجبور شد از آن رشته انصراف دهد. وی مدتی در مصر به امور فرهنگی و انتشار روزنامه «الزّمان» پرداخت و در سال ۱۸۸۵ م در بیروت به عنوان عضو «انجمن علمی شرق» انتخاب شد و در سال ۱۸۹۲ م مجله «الهلال» را تأسیس نمود؛ تا اینکه در سال ۱۹۱۴ م به علت سکتة مغزی درگذشت.

او یکی از پرکارترین مؤلفان دوره معاصر بود، بطوریکه عده ای علت سکتة مغزی او را همین پرکاری او می‌دانند (نجم، ۱۹۷۹: ۱۶۲). او در زمینه های متعدد از قبیل تاریخ، فلسفه، شرح و حال و زبان و ادبیات عرب و ... آثاری از خود به جا گذاشته و بیست و یک رمان تاریخی را به رشته تحریر درآورده است و در تمام آنها به تاریخ اسلام پرداخته است. او در تمام این رمانها از والتر اسکات پدر داستان تاریخی رمانتیک در اروپا متأثر بود. (رجائی، ۱۳۷۸: ۲۱۸)

## رمان عذراء قریش

این رمان ششمین رمان جرجی زیدان است که آنرا در سال ۱۸۹۸ م به رشته تحریر درآورده است. (الصاوی، ۲۰۰۰: ۴۲۱)

زیدان در این داستان به دلایل قتل عثمان و نیز ولایت امام علی (ع) پرداخته و در آن فتنه ها و آشوبهایی را که در پی این حوادث بوجود آمده، توضیح داده است. همچنین از ماجراهای جنگ جمل و صفین و ماجرای حکمیت و ادعای خلافت معاویه و خروج مصر از تحت ولایت امام (ع) مطالبی ذکر شده است.

ماجرای اصلی داستان از آنجا آغاز می شود که زنی به نام مریم به همراه دخترش اسماء و مروان حکم و یزید اموی با قافله ای از سوی شام به مدینه در حرکت بود تا با امام علی (ع) ملاقات نموده و رازی را برای وی بازگو نماید. اما بعد از وقوع مسائل و حوادث متعدد و دسیسه افکنی های مروان بن حکم، اوضاع جسمانی مادر اسماء رو به وخامت گذاشت و درگذشت و نتوانست آن راز را که همان گفتن نام حقیقی و اصلی پدر اسماء بود برای امام توضیح دهد. اسماء بعد از آن در دارالخلافه ساکن شد و در این اثنا شاهد آشوبها و درگیری های متعدد مردم مدینه و شدت گرفتن اعتراضات مردم علیه عثمان بود و نیز مشاهده کرد که چطور با اینکه قرآن در برابر وی بود و فرزندان امام علی (ع) از وی حمایت می کردند، عثمان کشته شد.

بعد از آن عده ای از خواص از جمله طلحه و زبیر و عایشه به خونخواهی از عاملان قتل عثمان برخاستند و آشوبهایی بوجود آوردند.

شایان ذکر است که در مورد رمانهای تاریخی جرجی زیدان و از آن جمله رمان «عذراء قریش» ادیبان و منتقدان زیادی اظهار نظر نموده و بر بعضی عناوین و مطالب این داستانها خرده گرفته اند، از میان این منتقدان می توان به عمر دسوقی، شوقی ابوخلیل، فواد دواره، طه وادی، احمد حافظ عوض و محمد حسن

عبدالله و... اشاره نمود. اما از آنجا که نظرات و انتقادات این افراد به صورت مدوّن در هیچ منبعی یافت نمی شود و به طور کلی در میان آثار متعدد پراکنده است، در این پژوهش سعی بر آن خواهیم نمود تا به نظرات و انتقادات جناب آقای دکتر محمود الصاوی که منبعی جامع را در مورد انتقادات و ایرادات رمانهای جرجی زیدان تدوین نموده است بسنده نموده و جوابهایی را بر این انتقادات بیاوریم. گفتنی است که آقای محمود الصاوی هم اکنون دارای مدرک دکتری زبان عربی و فلسفه اسلامی از دانشگاه الأزهر مصر می باشد و پایان نامه دوره فوق لیسانس خود را به نقد و بررسی آثار و اندیشه های جرجی زیدان اختصاص داده است. و پس از دفاع از رساله خویش در سال ۱۹۹۱ م، آنرا در سال ۲۰۰۰م به صورت کتابی تحت عنوان «کتابات جرجی زیدان» به طبع رسانده است. او هم اکنون استاد دانشگاه الأزهر و دانشگاه اسلامی امام محمدبن سعود می باشد.

از جمله انتقاداتی که منتقدان مذکور، در مورد محتوای تاریخی رمان «عذراء قریش» آنها را مطرح ساخته و به صورت جامع آقای الصاوی آنها را در همین اثر خویش گردآوری نموده است مشوه نمودن چهره بعضی صحابه و متهم نمودن آنان به کینه توزی و توطئه چینی، از قبیل زبیر و طلحه و عمروعاص و یا متهم ساختن عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) به خونریزی و جنگ طلبی و متهم ساختن عثمان خلیفه مسلمین به اینکه وی فردی چپاولگر و ضعیف النفس و بی اراده بود. و یا متهم ساختن مروان بن حکم به مشتعل ساختن آتش فتنه در میان مسلمانان و دسیسه افکنی میان امام علی (ع) و عثمان و متهم ساختن امام علی (ع) به اینکه ایشان افراد را در قتل عثمان یاری نموده است. (الصاوی، ۲۰۰۰: ۴۳۹-۴۵۱)

با در نظر داشتن نکات مثبت هر یک از این عده افراد از قبیل طلحه و زبیر و عمروعاص و عایشه و عثمان و...، برای درک و آگاهی از اشتباهات و خطاهای آنان کافیست که نگاهی به نهج البلاغه شریف بیندازیم آنگاه خودبخود

جواب این شبهاتی که منتقدان مذکور آنها را مطرح ساخته‌اند روشن و هویدا می‌شود.

اما با توجه به موضوع تحقیق حاضر، بر آن شده ایم که شبهه مطرح شده توسط جناب آقای الصاوی که در آن معتقد است زیدان امام علی (ع) را به قتل عثمان متهم ساخته است جواب دهیم. آقای الصاوی این شبهه را با استناد به این سخن عایشه در جواب اسماء معشوقه محمدبن ابی بکر بیان نموده است: «... هل نصدق أن علیاً أراد أن يدفع الناس عن عثمان فلم یستطع؟ و هو صاحب الأمر فی المدینه، قصد الی الدفاع عن عثمان و أنه غلب علی أمره». یعنی آیا باور کنیم که علی خواست مردم (خشمگین) را از عثمان دور کند ولی نتوانست؟ در حالیکه او صاحب امر در مدینه است. و خواست از عثمان دفاع کند ولی نتوانست؟ (زیدان، ۱۹۹۸: ۱۵۱) در جواب به این شبهه بایستی متذکر شد، که صرف وجود این جمله به معنای اتهام قتل به امام علی (ع) نمی‌تواند باشد. این جمله از زبان کسی است که بنای مخالفت با امام را گذاشته و قصد انتقامخواهی از وی را داشته است. همین عایشه خود در ابتدا از طرفداران قتل عثمان بود که بتدریج و با افزون شدن شکایات و ناتوانی عثمان از تصحیح سیره خود و یا فرونشاندن اعتراضات مردم، لقب «نعتل» را که لقبی اهانت آمیز در خطه مصر به شمار می‌رفت در طعن بر وی عمومیت داد. از جمله کسانی که این لقب را برای عثمان بکار برد عایشه بود. (طبری، ۱۳۵۲: ۱۳۱۷/۶)

بنابراین هر سخنی که از زبان عایشه (دشمن آن لحظه امام) جاری شده است به معنای قاتل بودن امام (ع) نیست. نکته دیگر اینکه در حقیقت امام از سیاستها و خویشاوند نوازی عثمان به ضرر عامه مسلمین رضایت نداشت. ولی آماده پذیرش قتل وی از سوی مخالفین و معترضین هم نبود. ایشان چندین بار واسطه میان مخالفین و عثمان شد و حتی حسن و حسین (ع)، پسران خود را مدتی در خانه وی برای نگهداری از جان عثمان در برابر ورود معترضین به آنجا

فرستاد. زیدان این عمل امام (ع) را در رمان خویش به وضوح به تصویر کشیده است؛ آنگاه که عثمان در برابر دیدگان امام حسن و حسین (ع) کشته می‌شود هر دو فریاد می‌زنند و می‌گویند: «چطور در حالیکه ما در خانه عثمانیم وی کشته می‌شود؟ اگر پدرمان از ما پرسید چه بگوییم؟...» (زیدان، ۱۹۹۸: ۷۹)

پس با اندکی تأمل در مورد سیاق این نوع سوال حسن و حسین (ع) روشن می‌گردد که امام علی (ع) که مسئولیت حفاظت از جان عثمان را به آن دو سپرده است در صورت کوتاهی در این امر ایشان را توبیخ خواهد نمود. ضمناً در جایی دیگر زیدان با زبان اُسماء بیان می‌دارد که در برابر عایشه ایستاده و امام (ع) را از اتهام قتل عثمان مبری دانسته است: «...أسمحی لی یا مولاتی أن أودی شهادة لا أستحی أن أصرح بها أمام الדיان العظیم . إنَّ علیاً بریء من دم عثمان، بل هو أول ناقد علی هذه الفتنه لاعتقاده أنها ستعمل علی بعثه شمل الاسلام» (همان، س ۱۰۷).

با این توضیح به نظر می‌رسد که آقای الصاوی قبل از اینکه این شبهه را مطرح بنماید بایستی به این دو مورد نیز دقت می‌نمود. نکته دیگر اینکه زیدان، دیدگاه امام علی (ع) را نسبت به عثمان و قتل وی، آن چنان نشان داده که خود امام در خطبه نهج البلاغه جایگاه و دیدگاه خویش را نسبت به عثمان و قتل او نشان داده است که فرمود: اگر فرمان به قتل او می‌دادم از قاتلان او بودم و اگر مخالف قتل او بودم از مویدین اش بودم...» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۰)

از جمله نکات دیگر در مورد امام علی (ع) در رمان مذکور ذکر لقب «امیرالمومنین» برای امام علی (ع) می‌باشد؛ زیدان در حدود بیست و اندی مورد امام را با لقب «امیرالمومنین» یاد نموده است. این لقب که استعمال آن در احادیث و روایات مختلف از بین ائمه (ع) مختص به امام علی (ع) ذکر شده است توسط زیدان رعایت شده است و بالاخره منتقدین آثار زیدان بایستی به این نکته نیز توجه می‌نمودند. در مورد خود آقای الصاوی و نوع نگاه و برخورد وی با جرجی زیدان و آثار او گفتنی است وی زیدان را با الفاظ مختلفی از قبیل «جرجی»،

«جرجانیه»، «جرجی الخواجا» و ... یاد نموده است (الصاوی، ۲۰۰۰: ۲۱۵، ۲۲۰، ۱۲۶، ۴۳۱، ۴۸۲، ۴۹۰، ۳۱۸). یعنی استعمال الفاظ و القابی که حاکی از نگاهی تحقیرآمیز و خرد بین دارند. مثلاً لقب «خواجا» لفظی است مجاملت آمیز که با آن بعضی از مردم را مورد خطاب قرار می دهند. (جرّ، ۱۳۷۸: ۹۴۲/۱) و در حالیکه در یک اثر ادبی و علمی بایستی اصل انصاف و احترام متقابل با ناقد و منتقد رعایت شود، آقای الصاوی رعایت این اصل را به کنار نهاده است. نکته دیگر اینکه آقای الصاوی در کتاب خویش «کتابات جرجی زیدان»، نام منتقدان جرجی زیدان را که عبارتند از احمد حافظ عوض، محمد حسن عبدالله، طه وادی، شوقی ابوخلیل و ...؛ با القابی همچون استادبزرگ، ناقد معروف و کبیر، نویسنده بزرگ و مشهور و ... یاد نموده است. (الصاوی، ۲۰۰۰: ۴۳۱) ولی مویبدان و طرفداران آثار جرجی زیدان را که عبارتند از طه حسین، مصطفی لطفی منفلوطی و محمدحسین هیکل و ... بدون هیچ لقبی یاد نموده است (همان، ۱۲۲). حال این سوال پیش می آید اگر مقایسه ای میان منتقدان و مویبدان آثار جرجی زیدان داشته باشیم کدامیک مشهورتر و کدامیک عالمتر و دانشمندترند؟! طه حسین یا احمد حافظ عوض؟ مصطفی منفلوطی یا طه وادی؟

ضمناً همین منتقد آثار زیدان یعنی شوقی ابوخلیل که آقای الصاوی از وی به عنوان نویسنده و ناقد بزرگ یاد نموده است کتابی به نام «من ضیع القرآن» نوشته است و بخشی در این کتاب گنجانده که در آن اسامی امیران حافظ قرآن را ذکر نموده است اما و در میان این امیران حافظ قرآن، نام امام علی (ع) به چشم نمی خورد؟! (ابوخلیل، ۲۰۰۰: ۱۶۶) البته نکته‌ای نیز که بایستی از آن غافل نماند از آنجا که جرجی زیدان پژوهشگری مسیحی است و نیز اینکه هیچگاه یک محقق علی رغم ادعای مطلق بی طرفی، به دلیل عدم رشد در درون یک ایدئولوژی نمی تواند ارزشهای مربوط به آن و قوانین منبث از آن را به صرف مطالعه و تحقیق لمس و درک کند؛ بنابراین باید گفت که وی آنگاه که به توضیح و تفسیر و



معرفی برخی از قوانین، سنن و ارزشهای اسلامی می پردازد، تصویری ناقص و گاه ناروا از آنها به دست می دهد که اگر بخواهیم آن را خوش بینانه تفسیر کنیم باید بگوییم جرجی زیدان، علی رغم طبع پژوهشی، چون مسلمان نبوده و در درون ارزشهای اسلامی نبالیده است، نمی تواند درک روشن و درستی از ارزشهای اسلامی داشته باشد. پس این عدم درک روشن را هیچگاه نمی توان به منزله دشمنی وی یا اغراض وی انگاشت. جرجی زیدان خود در رمان ۱۷ رمضان در مورد امام علی (ع) گفته است که علی (ع) همچون آفتاب نیمروز می درخشد. (فیضی پور، ۱۳۸۵: ۱۴)

بنابراین اگر زیدان می خواست چهره امام علی (ع) را در این رمان مشوه سازد دیگر چه دلیلی داشت که در اثر مشهور خویش به نام «تاریخ تمدن اسلامی» این همه در ذکر خصوصیات و نکات بارز ایشان مطالبی را ذکر کند؛ کافی است که خواننده این پژوهش برای تأیید این مقوله به کتاب تاریخ تمدن اسلامی زیدان مراجعه کرده و صفحات ۲۱، ۲۲، ۳۲، ۳۵، ۴۰، ۴۱، ۴۷، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۷۰، ۷۸، ۹۱، ۹۴، ۹۹، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۳۲، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۱۴، ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۹، ۳۰۱، ۳۸۶، ۴۳۱، ۴۴۱، ۴۵۳، ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۵، ۴۷۳، ۴۷۹، ۵۱۳، ۵۸۷، ۶۵۹، ۶۷۴، ۶۷۶، ۶۷۸، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۰۲ تا ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۲۱، ۷۲۳، ۷۲۵، ۷۳۴، ۷۴۹، ۷۵۱، ۷۷۰، ۷۹۰، ۸۱۲، ۸۲۷، ۸۴۶، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۳، ۹۱۶، ۹۲۲، ۹۴۰، ۹۴۶، ۹۸۴، ۱۰۱۰، ۱۰۱۷ را مطالعه کرده و آنگاه قضاوت نماید زیدان نسبت به امام علی (ع) چه دیدی را داشته است. (زیدان، ۱۳۸۶: ۱۰۸۸)

برای اثبات تصویر چهره ای مثبت از امام علی (ع) در رمان مذکور کافی

است که نگاهی به مطالب ذیل بیندازیم:

## پناه مظلومان :

خصلت پناه دهی به مظلومان از خصایص برجسته علی (ع) است . آنگاه که اسماء با مادر خود به سوی مدینه در حرکت بودند به وی گفت : مادر جان ! چرا اصرار داری با این وضع بیماری که داری به مدینه سفر کنی ؟ مادر در جوابش گفت: می‌خواهم به علی پناه ببرم ، شاید او بتواند ترا (اسماء) از دست ظالمان نجات دهد، چرا که وی به پناهگاه مظلومان شهرت دارد. (زیدان ، ۱۹۹۸ : ۱۹)

## اندوه امام در مورد اوضاع جامعه :

در راه رسیدن به مدینه ، وضعیت جسمانی ما در اسماء بدتر از پیش می‌شود ، او برای ملاقات با علی (ع) بی‌تابی می‌کند ، اسماء این موضوع را با مروان حکم که به همراه یزید اموی پیش آنها بود در میان می‌گذارد ، مروان به دنبال علی (ع) به مدینه می‌آید تا وی را پیش مادر اسماء ببرد ، ولی هنگام رسیدن به مدینه مأموریتش را به فراموشی می‌سپارد ، بنابراین اسماء خود به دنبال علی (ع) به مدینه می‌آید و به همراه محمدبن ابی بکر به محلی که عثمان در آنجا سخنرانی می‌کرد می‌آیند. پس از اتمام سخنان عثمان ، علی (ع) وارد آرامگاه پیامبر (ص) گشته و از اوضاع شکایت می‌کند و دردمندی اش را چنین نشان می‌دهد : « ... برخیز ای رسول خدا و امت خویش را بنگر و ببین بعد از تو چه به روزگارش درآمده است . هیچ کسی نیست که قرآن بخواند و یادی از پیامبرش نکند . ای رسول خدا ، تو بر روی زمین غذا می‌خوردی و همانند بردگان می‌نشستی و با دست خویش کفشهایت را پینه می‌زدی و با دستان خویش لباسهایت را رقع می‌زدی و بر الاغ عربان سوار می‌شدی ... این سنت و الگوی تو بود . آنگاه که از میان ما رفتی، ابوبکر با کافران جنگید و پایه های دین را استوار کرد و بعد از او

مردی به جایش نشست که سرزمینهای متعددی را فتح کرد و دیوانهای زیادی تأسیس نمود و گستره اسلام را تا مصر و عراق و شام و ایران گسترده کرد و عثمان آمد، او مردی مومن بود ولی سرانجام سلطه گری پیشه کرد و خویشاوندانش را بر دیگران برتری داد، تا اینکه مردم بر ضد او قیام کردند و تصمیم به سرپیچی از وی و خلع او نمودند بطوریکه از خلافت و جاه او هیچ واژه ای نداشتند. آه ای رسول خدا! چقدر این مرد را نصیحت کردم. (همان، ۲۹)

#### محرم اسرار:

آنگاه که اسماء به همراه محمد بن ابی بکر با امام (ع) ملاقات کردند، امام درخواست وی را برای ملاقات با مادر اسماء پذیرفت ولی به هنگام حرکت، غلام امام پیش وی آمد و گفت: «مولای من انقلابیون مصر دوباره پیش عثمان بازگشته و اعتراضات خود را از سر گرفته اند علت آن هم نامه ای است که از زبان وی علیه انقلابیون نگاشته شده است. به همین علت امام از رفتن به همراه اسماء معذور شد و محمد بن ابی بکر را به نیابت از خود فرستاد ولی مادر اسماء گفت: «... من فقط او را می خواهم... همانا من رازی دارم که فقط آنرا به علی خواهم گفت» (همان، ۲۶)

#### یتیم نوازی:

محمد بن ابی بکر بعد از آنکه مشاهده کرد مادر اسماء اصرار زیادی برای ملاقات با امام دارد به سرعت پیش امام آمد و او را پیش وی برد، ولی به هنگام فرا رسیدن امام، جان به جان آفرین تسلیم کرد. علی (ع) با دیدن جنازه مادر اسماء و جزع و فزع وی، به او دلداری می دهد و می فرماید: «دخترم صبور باش، همانا گریه و اندوه دیگر سودی ندارد، همانا مادرت زودتر از ما به سرای آخرت شتافت و اما یتیمی و تنهایی که از آن حرف می زنی واژه ای نداشتی

باش، همانا خداوند حافظ یتیمان است و مرا پدر دومت حساب کن و بعد از خدا به من امید داشته باش و صبر پیشه کن ، همانا خداوند با صابران است . (همان ، ۳۷)

### خیر خواهی :

آنگاه که اعتراضات علیه عثمان و عمّال او بالا گرفت و هیئتها و گروههای معترض از بصره و مصر و کوفه و ... چند روزی اطراف خانه عثمان به نشانه اعتراض تجمع کردند ، علی (ع) به همراه طلحه و زبیر برای مشورت با عثمان و بازداشت وی از خلف وعده هایش نزد او رفتند . (جرّداق ، ۱۳۷۸: ۴۹۷) علی (ع) بعد از سلام به عثمان فرمود : ای عثمان همانا تو پسر عموی رسول اکرم (ص) هستی و با دو نفر از دخترهای وی ازدواج کردی ، تو از کسانی بوده ای که به هر دو قبله نماز گزارده ای و از اولین کسانی بوده ای که به حبشه مهاجرت کرده و تو بودی که کار گردآوری قرآن را انجام داده و ...

امام دوباره فرمود : به نظر ما عاقلانه اینست که با مردم صحبت کنی ، برخیز و به آنان وعده خیر بده ما راضی نیستیم که مردم از تو قصد انتقام خواهی داشته باشند . (زیدان ، ۱۹۹۸: ۵۳)

پس با این توصیفات ، به نظر می رسد اگر آقای الصاوی اندکی دقت می نمود به هیچ وجه شبهه اینکه زیدان ، امام علی (ع) را قاتل عثمان دانسته مطرح نمی ساخت . اگر امام ، قاتل عثمان بود ، هیچ دلیلی نداشت که به خانه وی رفته و با وی از در موعظه درآید و او را با لفظ «أمیرالمومنین» خطاب نماید .

### اوصاف ظاهری امام :

توضیحاً باید یادآور شد که خلقت امام (ع) نیز مانند همه امامان و انسانهای دیگر کاملاً طبیعی و عادی بوده است ، یعنی از نظر آفرینش ظاهری نیز

انسانی کاملاً عادی به شمار می رفت . بنابراین کسانی که با نقل اسرائیلیات و احادیث جعلی ، امام را موجودی عجیب الخلقه جلوه می دهند ، بسی گناهکارند . در این رمان آنگاه که اسماء برای اولین بار با امام (ع) روبرو می ایستد و با گوشه چشم به وی نگاه می کند چهره اش سپید و مایل به سرخ ، چشمانش سیاه ، گونه هایش صاف و ریشش پر مو و موهایش صاف و قامتش معتدل و شبیه ترین فرد به پیامبر اکرم (ص) می باشد . (همان ، ۸۲)

و در این مورد نیز زیدان خصایص ظاهری امام (ع) را کاملاً منطبق با کتاب طبقات توصیف نموده است . همچنین بایستی متذکر شد که درباره اوصاف ظاهری امام علی (ع) کتب زیادی مطلب آورده اند که برای خرید اطلاع در این باره می توان به بحارالانوار چاپ جدید جلد سوم باب اول ، علل الشرایع چاپ جدید ، جلد اول ، صفحه ۱۵۳ و مناقب شهر آشوب چاپ جدید جلد دوم صفحه ۲۷۹ رجوع کرد .

### صدق و اخلاص :

صداقت و اخلاص امام علی (ع) تا بدانجا پیش رفت که خلافت و سیاست آنرا تحت شعاع خود قرار داد . ( گروه مولفان ، ۱۴۲۵ : ۳۳) امام پس از رسیدن به خلافت تصمیم قاطع گرفت تا تمام عمال عثمان را که به حکومت بخشهای مختلف انتصاب شده بودند عزل کرده و افرادی موثق و امین را به کار گیرد . اما بعضی از مشاوران امام از جمله مغیره بن شعبه و عبدالله بن عباس به امام پیشنهاد دادند که تا برقراری کامل آرامش و امنیّت و استقرار حکومت علی (ع) ، حاکمان را در مقامشان تثبیت کند و بعد از آن طبق تشخیص خود آنها را تعویض نماید . (زیدان ، ۱۹۹۸ : ۱۲۵)

امام در جواب مشاوران که می گفتند: یا علی سیاست و زیرکی لازمه خلافت و حکومت است فرمود: «لولا کراهیة الغدر لکننت من أوهی الناس» یعنی اگر نیرنگ ناپسند نبود زیرکترین افراد بودم.

امام در جایی دیگر در مذمت حيله گری چنین فرموده است: «ولقد أصبحنا فی زمان قد اتخذ اکثر أهله الغدر کيساً، و نَسَبَهُم أهلُ الجهل فیهِ ألی حُسن الحيلة. ما لَهُم! قاتلَهُم اللهُ! قَدیری الخوَل القَلْبُ وجه الحيلة و دونها مانع من أمرالله و نهیه ...» یعنی امروز در محیط و زمانه ای زندگی می کنیم که بیشتر مردم حيله و نیرنگ را زیرکی می پندارند و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر می خوانند. چگونه فکر می کنند؟ خدا بکشد آنها را! چه بسا شخصی تمام پیش آمدهای آینده را می داند، و راه های مکر و حيله را می شناسد. ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست.

### گذشت و جوانمردی:

مروّت و گذشت امام نادرتر از آن است که در تاریخ نظیری داشته باشد و رویدادهایی که در این زمینه از ایشان روایت شده، بیشتر از آن است که به شمار آید. او هنگامی که به سرسخت ترین دشمنانش عبدالله بن زبیر، مروان بن حکم و سعید بن عاص دست یافت، آنها را مورد عفو قرار داد. (جرداق، ۱۳۸۷: ۱۴۰) بارزترین این نمونه، جریان جنگ جمل بود که بعد آنکه امام دستور داد شتر عایشه را پی کنند، سپاه عایشه سقوط کرد و یاران امام پیروز شدند ولی با این حال به سپاهیانش دستور داد که هیچ فراری را دنبال نکنند و هیچ زخمی را نکشند و به هیچ خیمه ای وارد نشوند.

امام همچنین در پایان این جنگ به محمدبن ابی بکر فرمود: ای محمد قبه ای برای خواهرت (عایشه) برپا کن و ببین که زخمی نشده باشد. (زیدان،

گذشت امام بدان حد بود که پس از پایان جنگ هیاھویی شنید و پس از تحقیق معلوم شد که باز عایشه مردم را به جنگ تشویق می کند (همان ، ۱۸۸) و بر قاتلین عثمان نفرین می فرستد. امام نیز در جوابشان گفت : آنها جز خود به کسی لعن نمی کنند . (حسین ، ۱۳۵۴ : ۵۷)

### مظلومیت امام :

در رجب سال ۳۶ هجری امام (ع) پس از بازگشت از جنگ جمل راهی کوفه شد تا پس از آرام شدن اوضاع حکومت اسلامی ، بنیان بنی امیه را از ریشه برکند ، او ابتدا از طریق نامه از معاویه بیعت خواست . ( گروه مولفان ، علی و فتنه ها ، ۱۳۸۴ : ۱۵۲) معاویه در جواب تعلل می ورزید تا مشاورش عمروعاص به شام آمده ، با او مشورت کند . عمروعاص که آرزوی حکومت مصر را در سر می پروراند ، عاقبت مشاوره را به جنگ کشانید و نبرد بین سپاه امام و معاویه شروع شد . آنگاه که معاویه شکست را نزدیک دید ، بنا به پیشنهاد عمروعاص ، سربازان معاویه قرآن ها را سر نیزه کردند و گفتند : « کتاب الله بیننا و بینکم » .

سربازان امام با دیدن اقدام سپاه معاویه دست از جنگ برداشتند امام به آنان فرمود : ای یاران من آگاه باشید ، این عمل آنان حيله ای بیش نیست ، سربازان امام در جواب گفتند : ما نمی توانیم از سویی دیگران را به کتاب خدا دعوت کنیم و از سوی دیگر از عمل به آن ابا کنیم . (زیدان ، ۱۹۹۸ : ۲۱۶)

مسحر بن فدکی و زید بن حصین الطائی که بعدها جزء خوارج شدند به امام گفتند : ای علی حکم کتاب خدا را اجرا کن و گرنه ترا تسلیم معاویه می کنیم و با تو کاری می کنیم که با عثمان کردیم . (همان ، ۲۱۹)

سپس به علی (ع) دستور دادند به مالک اشتر بگو دست از جنگ بردارد و گرنه ترا از خلافت عزل می کنیم . (همان ، ۲۲۱)

سپاهی که تا چند لحظه پیش تحت اطاعت امام بودند ، حالا حاکم بر فرمانده خویش شدند و با پیش آمدن مسئله حکمیت ، تمام نماینده های پیشنهادی امام را برای حکمیت رد کردند و به امام دستور دادند که ابوموسی اشعری را که از نظر امام فردی ناشایست برای این مسئله بود ، انتخاب کند . امام برخلاف میل باطنی خویش به زور شمشیر سپاه خویش تن به این رضایت داد . عمروعاص معاویه را به خلافت مسلمین انتخاب کرد و ابوموسی اشعری علی (ع) را که خلیفه مسلمین بود عزل نمود . (همان ، ۲۲۵)

از اینجاست که ادعای ما مبنی بر نزدیک بودن تصورات و عقاید زیدان به عقاید شیعی تا حدود زیادی ثابت می گردد . واکنش امام علی (ع) نسبت به این همه ظلم یاران خودی را می توان در خطبه ۲۷ نهج البلاغه مشاهده نمود (نهج البلاغه دشتی ، خطبه ۲۷)



نتیجه گیری :

- ۱- سیمای امام علی (ع) در آیینۀ تمام نویسندگان حقیقت پرست و حقیقت دوست زیبا جلوه شده است .
- ۲- مظلومیت علی (ع) بارزترین وجهه تصویر شده ایشان در رمان عذراء قریش است .
- ۳- علی پناه مظلومان ، محرم اسرار ، دردمند ، یتیم نواز ، خیرخواه ، صادق ، مخلص و جوانمرد است .
- ۴- به جرأت می توان گفت اخلاص جرجی زیدان نسبت به مسلمانان از لابلائی مطالب رمان مذکور ثابت شده است. و این رمان ارزشمندترین و پرمحتواترین رمان اوست .



### فهرست منابع

- ۱- نهج البلاغه
- ۲- ابوخلیل، شوقی، ۱۹۹۸، من ضیع القرآن، دارالفکر المعاصر، دمشق
- ۳- جرداق، جرج ۱۳۸۷، علی صدای عدالت انسانی، ترجمه و توضیح سیدهادی خسروشاهی مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم
- ۴- جر، خلیل، ۱۳۸۷، فرهنگ لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، انتشارات امیرکبیر، تهران
- ۵- حسین، طه، ۱۳۵۴، علی و فرزندانش، ترجمه محمدعلی شیرازی، انتشارات گنجینه، تهران مشهد
- ۶- رجائی، نجمه، ۱۳۷۸، آشنایی با نقد معاصر عربی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد
- ۷- زیدان، جرجی، ۱۳۸۶، تاریخ تمدن اسلامی، ترجمه علی جواهر کلام، انتشارات امیر کبیر، تهران
- ۸- زیدان، جرجی، ۱۹۹۸، عذراء قریش، دارصادر، بیروت
- ۹- الصاوی، محمود، ۲۰۰۰، کتابات جرجی زیدان، دارالهدایه للنشر، بیروت
- ۱۰- طبری، ۱۳۵۲، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران
- ۱۱- عبدالمقصود، عبدالفتاح، ۱۳۸۵، الامام علی (ع)، ترجمه و توضیح محمد مهدی جعفری، شرکت سهامی انتشار، قم
- ۱۲- فیضی پور، علی اکبر، مقاله علی از نگاه دیگران، فصلنامه کلام اسلامی، شماره ۳۶
- ۱۳- گروه مولفان، ۱۴۲۵، اعلام الهدایه، مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت (ع)، قم
- ۱۴- گروه مولفان، ۱۳۸۴، علی و فتنه ها، موسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران
- ۱۵- نجم، محمد یوسف، ۱۹۷۶، القصة فی الادب العربی الحدیث، دارالکتب العربیه، بیروت